

## بررسی مبانی تربیت عاطفی از منظر نهج البلاغه

سید احمد هاشمی<sup>۱</sup>، آرزو صاحب الزمانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استاد گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

### چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی مبانی تربیت عاطفی از منظر نهج البلاغه می باشد. روش تحقیق توصیفی – تحلیلی می باشد. از نظر هدف کاربردی است. بررسی شیوه‌های تربیتی از منظر اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. آنگاه به بار می‌نشیند که اصول تربیتی آن در قالب، به شیوه‌های درستی به اجرا درآید. یکی از آن روش‌ها، الگوبرداری برحسب نیاز فطری انسان و همانندسازی و الگوپذیری از همان زمان کودکی است. این الگو هرچه مناسب‌تر و کامل‌تر باشد آدمی را در راه رسیدن به کمال مطلوب بیشتر یاری می‌دهد. یکی از شخصیت‌های محوری در جهان بشری به‌ویژه در دنیای اسلام حضرت امام علی است. رفتارها و گفتارهای این امام به‌ویژه در آینه کتاب گران‌سنگ نهج‌البلاغه، الگوی قابل‌توجهی برای پیشرفت اهداف تربیتی است. تحقیق حاضر به بررسی مبانی تربیت عاطفی در نهج‌البلاغه پرداخته است.

**واژه‌های کلیدی:** تربیت، تربیت عاطفی، نهج البلاغه

## مقدمه

عواطف عاملی تأثیرگذار در بقای زندگی انسان و عامل بسیاری از رفتارها و اندیشه‌ها و تصمیمات است و به این سبب، تربیت عاطفی به عنوان مسئله‌ای مطرح است که نقطه‌ی عطف تربیتی سایر ابعاد وجودی انسان از جمله جنبه‌ی عقلانی، اجتماعی و معنوی است و سلامت روانی انسان به سلامت عاطفی او بستگی دارد. با این حال، می‌توان گفت رشد و تکامل عاطفی یا هیجانی هر فرد، در نوع واکنش او به اوضاع محیط تأثیر فراوان دارد و حتی یادگیری فراگیر نیز از حالات عاطفی تأثیر می‌پذیرد. علاوه بر اینکه ارتباط میان فراگیر با محتوای آموزشی، مربی و محیط نیز تابع پرورش عاطفی است، آنچه در قالب کمبود روحی و اخلاقی به شکل ناسازگاری با جامعه و ناآرامی و اضطراب، تحمل نکردن موفقیت دیگران و ایجاد موانع روحی و مادی بر سر راه آنان و یا افسردگی در جامعه دیده می‌شود، از نتایج نا آگاهی از این بعد است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴).

ساحت عاطفی یکی از ساحت‌های تربیت انسان است. برخی از دانشمندان مسلمان معتقدند انسان دارای سه بعد کلی است؛ بعد عقلانی، عاطفی و قدرت. در بعد عاطفی از مجموعه احساسات و انفعالات نام می‌برند. اما هر چه پیش می‌رویم به یک مشکل بر می‌خوریم و آن اینکه معنای احساس و عاطفه چه نسبتی با هم دارند. اساساً واژه‌هایی در این باب وجود دارد که در موارد متعددی در معنای مشترک و مجزا استفاده می‌شوند و تفکیک آنها به دلیل تشتت استعمالات آن‌ها به غایت سخت شده است. (سنگی، ۱۳۹۸).

معنای تربیت در یک عبارت اینست: «روش رفتاری و گفتاری دادن به غیر، طوری که این روش، ملکه ذهن او شود.» کسی را تربیت کردن یعنی این که روش رفتاری و گفتاری به وی یاد داده شود. تربیت در بُعد اخلاقی این است و اگر ملکه ذهن شد، بدین معنی است که هر وقت کاری انجام دهد بر اساس روش رفتاری و گفتاری می‌باشد که مربی به وی آموزش داده.

اینجاست که می‌گویند: «مربی او را تربیت کرده است.» تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می‌شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. این کمال گاهی جنبه شناختی دارد که به دانش، شناخت و آگاهی انسان مربوط می‌شود. گاهی نیز جنبه کنشی یا حرکتی دارد که به رفتار و اعمال عینی انسان که اغلب دارای مظاهر جسمانی هستند مربوط می‌گردد و بالاخره گاهی جنبه گرایشی یا عاطفی دارد که با نگرش، اعتقاد، ایمان و علائق، احساسات انسان مرتبط است.

بر اساس آنچه گذشت، ملاحظه کردیم که موضوع تربیت عاطفی امری اساسی است و اهمیت بسیاری دارد، آن چنان که پرداختن به آن در تعلیم و تربیت، امری اجتناب ناپذیر است. اگر چه روان‌شناسان به نوبه‌ی خود و از منظر خویش به این مبحث نگرسته‌اند، در این پژوهش قصد داریم موضوع را از دیدگاه کتاب گران قدر نهج البلاغه بررسی و واکاوی کنیم، آن چنان که بتواند مورد استفاده‌ی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد و منویات این کتاب گهربار و فرمایشات حضرت امیر(ع)، چراغی فرا روی مربیان تعلیم و تربیت باشد. در این تحقیق به دنبال بررسی مبانی تربیت عاطفی از منظر نهج البلاغه می‌باشیم.

## اهمیت تربیت عاطفی

شناخت عواطف و نحوه ی رشد و میزان تأثیرگذاری آنها در رفتار فردی و اجتماعی و پرورش متعادل آنها جهت پیشگیری از فقر عاطفی، از مباحث مهم تربیتی و اخلاقی به شمار می آید. به سبب آنکه عواطف و احساسات، تأثیر فراوانی در بروز رفتارها دارند، تربیت عاطفی اهمیت بسیاری دارد؛ اما مسئله ی پژوهش این است که امروزه، جای اندیشه های اسلام و به طور خاص، نهج البلاغه برای تربیت عاطفی در کنار آموزه های سایر مکاتب تربیتی، خالی است. رشد عاطفی وظیفه ای پیچیده است که از دوران نوزادی آغاز می شود و تا بزرگسالی ادامه دارد. لذت، خشم، ناراحتی و ترس اولین عواطفی اند که در کودکان مشاهده می شوند. با شروع رشد عاطفی در کودکان، عواطف پیچیده تری را در او مشاهده خواهیم کرد. مانند کم رویی، شگفتی، وجد، خجالت، شرم، احساس گناه، غرور و همدلی. حتی زمانی که کودکان به سن مدرسه می رسند نیز هنوز در حال شناسایی عواطف خود، درک علت آن و مدیریتش خواهند بود. علیم و تربیت، از مهم ترین اهداف و دغدغه های ادیان الهی بوده که بدان توجه داشته اند و در کتاب های آسمانی چون: قرآن و نهج البلاغه نیز به آن اشاره شده است. خداوند و پیامبران به عنوان متولیان اصلی در تربیت بشر، با روش هایی سعی در تربیت دینی مردم داشته اند. (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۲)

## هدف اصلی

تبیین مبانی تربیت عاطفی از منظر نهج البلاغه

## پیشینه تحقیق

هاشمی و صفا (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان تربیت اخلاقی، عاطفی، جنسی از دیدگاه امام علی (ع)، انجام دادند. با توجه به نتایج پژوهش تربیت اخلاقی، عاطفی، جنسی از دیدگاه امام علی (ع) دارای مراتب مختلف هستند که در نهایت تمامی آنها برای حصول به اهداف غایی تنظیم شده اند.

دوستی و همکاران (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان اصول و روش های تربیت عاطفی در دوره پیش دبستان از دیدگاه اسلام و ائمه اطهار (ع)، انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که اولاً تربیت عاطفی به عنوان یکی از عوامل و جنبه های تعلیم و تربیت بایستی مورد توجه باشد. ثانیاً تربیت عاطفی شامل اصلی است که در نهایت این اصول منجر به روش هایی می شود که می توان با کمک گرفتن از آن ها به تربیت عاطفی کودکان و نوجوانان مبادرت نمود.

رستمی (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان مولفه های تربیت عاطفی از منظر نهج البلاغه شریف انجام دادند. یافته های پژوهش نشان می دهد: ۱. برخی از اصول تربیت عاطفی عبارت اند از ابراز محبت، بردباری، خوش بینی؛ ۲. برخی از روش های تربیت عاطفی عبارت اند از: اعتدال در محبت، کنترل خشم، صله ی رحم و برخورد با گشاده رویی. نتایج پژوهش نشان می دهد که در نهج البلاغه شریف، از تربیت عاطفی افراد غفلت نشده و دستورالعمل هایی برای رشد متریان، در این ساحت تربیتی معرفی شده است.

هاشمی و ستایش فر (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان بررسی اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام، انجام دادند. مسیله تعلیم و تربیت در همه ادیان توحیدی و خصوصاً اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. انسان، مستعد اتصال به همه ی کمالات است اما وصول به آن ها در گرو تعلیم و تربیت صحیح می باشد و برای رسیدن به هدف والای قرب الی الله باید بهترین شیوه ها را انتخاب نمود. در نظام اسلامی، هدف کسب رضای خداست. از طرف دیگر روابط حاکم بر زندگی افراد، متأثر از دیدگاه متأثر از سبک زندگی اسلامی می باشد. بنابراین تأثیر تربیت اسلامی در برقراری سبک زندگی اسلامی انکارناپذیر و اجتناب ناپذیر است.

نجفی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «سازمان دهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه های قرآنی» به بررسی این ساحت تربیتی از منظر قرآن کریم پرداخته اند. هدف این پژوهش که با رویکرد کیفی و روش پژوهش استنتاجی انجام شده است، بررسی میان رشته ای تربیت عاطفی و ساختار آن در قرآن است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که عواطف در قرآن با پشتوانه ی معرفتی از احساس جدا می شود. تربیت عاطفی با مبانی انسان شناسی و معرفت شناسی، وارد فرآیند تربیتی می شود و هم سو با هدف نهایی نظام تربیتی، پرورش عواطف و مدیریت آن را بر اساس ارزش ها بر عهده دارد.

حسین زاده و قاسمی گورتی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «تبیین مهم ترین روش های تربیتی آسیب زا در تربیت با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث ائمه (ع)»، با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع دینی و یافته های علوم معاصر و با هدف تبیین مهم ترین روش های عاطفی آسیب زا در تربیت انجام داده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد مهم ترین روش آسیب زا، تبعیض میان کودکان و تحقیر کودک در برابر دیگران است که با روش هایی چون استهزاء و تمسخر، ملامت و سرزنش، تهمت، دشنام و القاب زشت بروز می یابد و راهکارهایی چون تکریم شخصیت کودک در هر شرایط، توجه به احساسات او و دوری از تبعیض، می تواند راهی برای مقابله با این روش ها باشد.

### مبانی تربیت عاطفی در نهج البلاغه

استخراج روش ها بر اساس اصول، یکی از نکات مهمی است که در رابطه با بررسی اصول و روش های تربیت عاطفی باید به آن بپردازیم. این اصول نیز باید برگرفته از مبانی باشند؛ درباره ی مبانی انسان شناسی باید گفت که در نگاه اسلامی، مسیر تکامل از پرورش نفس و ابعاد نفس می گذرد. عواطف یکی از این ابعاد است که تربیت فراگیر نیز از آن تأثیر می پذیرد؛ بنابراین، تکامل عاطفی هر فرد، در نوع واکنش او به اوضاع و محیط تأثیر فراوان دارد. همراهی عاطفه با عقل و جدا شدن آن از احساس از جمله نکات مهمی است که تربیت اسلامی بر آن تأکید دارد. در نگاه اسلام، عواطف ارزش مطلق ندارند، بلکه ارزش عواطف به تأثیرگذاری مثبت آنها در فرآیند تقویت و زندگی است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴).

حضرت علی (ع) درباره ی تأثیر عاطفه در رفتار انسانها و لزوم تربیت آن می فرمایند: «به رگ های درونی انسان، پاره گوشتی آویخته که شگرف ترین اعضای درونی اوست و آن قلب است که چیزهایی از حکمت و چیزهای متفاوت با آن در او وجود دارد. پس اگر در دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند و اگر طمع بر آن هجوم آورد، حرص آن را تباه سازد... و اگر به گشایشی برسد، دچار غفلت زدگی شود و اگر مصیبت ناگواری به آن رسد، بی صبری رسوایش کند... پس هر گونه کندروی برای آن، زیان بار و هر گونه تندروی برای آن، فساد آفرین است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۸، ص ۶۴۹).

درباره ی مبانی معرفت شناسی تربیت عاطفی باید بگوییم که عاطفه در کسب شناخت، اهمیت بسیاری دارد. در فرآیند عمومی، باور این است که شناخت، با دلایل و استدالات عقلی، توجیه و تبیین می شود و در واقع، معرفتی صادق است که از نتایج و

مقدمات عقلی تشکیل شده باشد؛ اما از دیدگاه اسلام، شناخت تنها از مسیر عقل نمی گذرد؛ زیرا در این صورت، از بعد عاطفی انسان غفلت شده است، در حالی که عاطفه، بخش بسیار مهمی از توان انسان است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴).

## اصول و روش های تربیت عاطفی در نهج البلاغه

### اصل اول: ابراز محبت

طبق این اصل، در جریان تربیت عاطفی، برای برانگیختن انسان ها بر انجام پاره ای از اعمال، باید از قدرت ناشی از پیوند محبت آمیز بهره جست (باقری، ۱۳۸۵). میل به محبت دیدن و محبت ورزی از تمایلات فطری انسان است که در هر دوره ای از زندگی، تحول و رشد به آن نیازمند است و باید از بدو تولد تا زمان وداع با این دنیا، متناسب با دوره ی رشد خویش، همواره این نیاز عالی و اساسی تأمین شود (احمدی، ۱۳۸۰).

خداوند در تربیت انسان، محبت را به عنوان پیوندی محوری به کار می گیرد. امام علی (ع) در این باره می فرماید: «چون برادرت از تو جدا شود، تو پیوند دوستی را برقرار کن؛ اگر روی برگرداند، تو مهربانی کن...» (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۵۱۹).

### اصل دوم: اصلاح شرایط

این اصل، بیانگر آن است که برای زدودن پاره ای از حالات و رفتارهای نامطلوب و نیز برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، باید شرایط محیطی او را تغییر داد. تغییر روابط آدمی با شرایط زمانی و مکانی و به ویژه شرایط اجتماعی، مبدأ تغییر بسیاری از حالات و رفتارهای اوست. در اینجا به ذکر یک نمونه از موارد این اصل، در سخنان امام علی (ع) می پردازیم. ایشان می فرمایند: «ای معاویه! آماده ی حوادثی باش که به سراغ تو می آید. به گمراهان فرومایه، گوش مسپار! اگر چنین نکنی، به تو اعلام می دارم که در غفلت زندگی قرار گرفته ای. همانا تو ناز پرورده ای هستی که شیطان بر تو حکومت می کند و با تو، به آرزوهایش می رسد و چون روح و خون در سراسر وجودت جریان دارد. به خدا پناه می برم از گرفتار شدن به دشمنی های ریشه دار! تو را می ترسانم از اینکه به دنبال آرزوها تلاش کنی و آشکار و نهانت، یکسان نباشد» (نهج البلاغه، نامه ۱۰، ص ۴۹۱)؛ بنابراین، از این کلام حضرت امیر(ع) به خوبی می توان به اهمیت شرایط در بروز رفتارهای عاطفی و غیر آن پی برد. به همین سبب، به مربیان توصیه می شود که با ایجاد شرایط مکانی و زمانی همراه با محبت و مهربانی، متربیان را به انجام رفتارهای مهربانانه تشویق کنند.

### اصل سوم: حلم و بردباری

اگر رفتار، گفتار و افکار انسان از خشم و عصبانیت متأثر می شود، باید در حد ممکن، جلوی این تأثیر را گرفت. اصل تربیتی قابل طرح در این زمینه، حلم و بردباری است.

امام علی (ع) درباره ی حلم و بردباری می فرماید: «شش چیز است که خرد مردم به آنها آزمایش می شود: بردباری در خشم، میانه روی در وقت، رغبت و شکیبایی در ترس از خدا، تقوی در هر حال، خوش رفتاری و کم ستیزی»؛ و موارد بسیار دیگری که همه، نشانگر اهمیت و ارزش حلم و بردباری از دیدگاه امام علی هستند.

باید شخص را متوجه این مسئله کرد که اگر در حالت خشم و عصبانیت، بتواند حلم و بردباری نشان دهد، آثار و نتایج ارزشمندی در بخش های رفتاری، روحی، گفتاری، اخلاقی و اجتماعی نصیب او خواهد شد. در این زمینه، حضرت علی (ع) می فرماید: «...هیچ عزتی همانند حلم و بردباری نیست...» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳، ص ۶۵۱).

بر اساس آنچه در این اصل گفته شد، باید به خود و متریان بیاموزیم که اگر تمام رفتارهای ما در زمینه ای از حلم و بردباری صورت پذیرد، قطعاً آن رفتارها همراه با آسودگی روان و به دور از خشم و عصبانیت خواهد بود. در چنین زمینه ای، رفتارها همراه با عقل ورزی خواهد بود و آرامش خاطر و امنیت پس از این گونه رفتارها، باعث رضایت روحی افراد خواهد بود.

#### اصل چهارم: خوش بینی یا حسن ظن

مطابق این اصل، باید کاری کرد که اندیشه‌ی بدبینی در فرد به وجود نیاید و اگر به وجود آمده است، آن را از بین برد تا اندیشه و فکر او نسبت به دیگران اصلاح شود. امام علی (ع) در این باره سخنان بسیاری فرموده اند که به چند نمونه از آنها اشاره می شود: «خوش گمانی، اندوه را سبک و از پیروی گناه برهاند». «چون کسی به تو گمان نیک برد، خوش بینی او را تصدیق کن» (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۸، ص ۶۸۱). امام علی (ع) راه مبارزه با سوء ظن را در این گفتار حکیمانه نشان داده است و آن این است که انسان تمام احتمالات را درباره‌ی سخن یا عملی که از دیگری سر می زند، مورد توجه قرار می دهد و آن چه مناسب حسن ظن است برگزیند و احتمالات سوء را از فکر خود دور سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰). بدیهی است این کار سبب می شود علاقه و محبت و دوستی و مودت در میان افراد جامعه بیشتر و از پراکندگی و سلب اعتماد جلوگیری شود و در نتیجه، زمینه های همکاری که بر پایه‌ی اعتماد قرار دارد، بیشتر گردد و برکات بسیاری برای فرد و جامعه داشته باشد. البته نکته‌ی قابل توجه در استفاده از اصل خوش بینی، این است که این حسن ظن باید به دوستان و مؤمنان وجود داشته باشد، وگرنه نسبت به کسانی که شیطان صفتی و فریبندگی آنان، محرز و مشخص است، باید همواره با بدبینی با آنان رفتار کرد.

#### اصل پنجم: فضل

اصل فضل یکی از اصول مهم تربیت عاطفی است. فضل رابطه ای مبتنی بر عدم موازنه است؛ عدم موازنه ای فراتر از عدل. اصل فضل حاکی از آن است که در رابطه‌ی تربیتی، باید عدم موازنه را الگو قرارداد. خداوند خود در مقام تربیت انسان، با او بسیار با فضل رفتار می کند و اساساً فضل و رحمت را بر خود واجب گردانیده است. در قرآن آمده است: و اگر فضل و رحمت خدا در دنیا و آخرت، شامل حال شما نبود، به سبب آن چه مرتکب شدید (سرگرم شدن به سخنان نفاق انگیز) عذاب سختی به شما می رسید (نور، ۱۴). نمونه‌ی این رفتار همراه با فضل را، در مواجهه‌ی خداوند با حضرت آدم می توان دید. خداوند متعال گناه کاری آدم را، با اخراج از بهشت کیفر داد و از باب رحمت و فضل، توبه اش را پذیرفت؛ او را به زمین فرو فرستاد و ذریه‌ی او را به انتخابشان به رسالت و نبوت، گرامی داشت. امام علی نیز در این باره می فرماید: «عدالتش همه را در برگرفته و با کوتاهی کردن مخلوقات در ستایش او، باز فضل و کرمش تداوم یافته است» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۱، ص ۱۵۵).

#### اصل ششم: حسن خلق

مطابق این اصل، باید خلق و خوی انسان، نیکو باشد تا در راه رسیدن به هدف، موفق و باعث به وجود آمدن انس و الفت میان انسان های دیگر شود. چنان که خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرماید: «به سبب رحمت خداست که تو با آنان، این چنین نرم خوی و مهربان هستی، اگر تندخو و سخت دل می بودی، از گرد تو پراکنده می شدند» (آل عمران، ۱۵۹).

حضرت علی (ع) نیز در موارد متعددی به داشتن حسن خلق و نتایج آن اشاره کرده است. «در اول پرونده‌ی مؤمن، اخلاق خوب قرار دارد» (مجلسی، ۱۴۰۰ ه.ق، ج ۷۱، ص ۳۹۱) و یا اینکه ایشان درباره‌ی ارزش قناعت و خوش خلقی می فرمایند: «آدمی را قناعت برای دولتمندی و خوش خلقی را برای فراوانی نعمت ها کافی است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹، ص ۶۷۷).

افراد، با اخلاق نیکو می توانند محیطی دلپذیر و آرامش بخش را ایجاد کنند. لازم است این اخلاق نیکو در محیط خانواده و سایر گروه هایی که افراد عضو آن هستند، وجود داشته باشد. بدیهی است در این صورت، اعضای یک جامعه می توانند با سلامت عاطفی و روانی خوبی در کنار یکدیگر زندگی کنند.

### اصل هفتم: خشوع

خشوع احساس ردی، ذلت و فروتنی است که در قلب رخ می دهد و بازتاب آن در اندام و جوارح انسان ظاهر می شود. امام علی (ع) در توصیف پرهیزگاران می فرماید: «پرهیزگاران در روز، دانشمندانی بردبار و نیکوکارانی با تقوا هستند که ترس الهی، آنان را چونان تیر تراشیده، لاغر کرده است. کسی که به آنان می نگرد، می پندارد که بیمارند؛ اما آنان بیمار نیستند و غیره» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۴۰۵).

همچنین ایشان در توصیف آینده پرهیزگاران می فرماید: «و در آن میان (پرهیزگاران را گروه گروه به سوی بهشت رهنمون می شوند) (زمر/۷۳)، آنان از کیفر و عذاب در امان اند و از سرزنش ها آسوده و از آتش دورند؛ در خانه های امن الهی، از جایگاه خود خشنودند. آنان در دنیا، رفتارشان پاک، دیدگانشان گریان شب هایشان با خشوع و استغفار چونان روز و روزشان از ترس گناه، چونان شب می ماند. پس خداوند بهشت را منزلگاه نهایی آنان قرار داد و پاداش ایشان را نیکو پرداخت» (همان، خطبه ۱۹۰، ص ۳۷۵).

ابن میثم بحرانی در شرح خطبه ی ۱۰۸ نهج البلاغه می نویسد: امام علی (ع) ده چیز را برای خداوند اثبات فرموده اند که یکی از آنها این است که کل شیء خاضع له و ادامه می دهند که در این جا واژه ی خضوع، به معنای خشوع است. وی اطمینان و آرامش یافتن به خداوند و فروتنی در برابر او را از جمله آثار عاطفی خشوع در برابر پروردگار می داند.

### نتیجه گیری

به مساله عواطف در دو جنبه مثبت و منفی در قرآن و روایات اشاره شده است و مرکز کانون آنها قلب «دل» انسانی می باشد، در همه افراد به صورت فطری و بالقوه وجود دارد و زمینه رشد می طلبد. هدف اسلام از تربیت عاطفی هدایت و راهنمایی عواطف انسان به منظور رساندن او به کمال است و کمال انسان قرب به خداست. لذا تربیت عاطفی قصد دارد تحت اداره و هدایت مربی انسان را به حدی از رشد عاطفی برساند که همه عواطف خود را جهت رضای خدا و تقرب به او بکار گیرد بدین منظور کلیه عواطف باید به گونه ای پرورش یابند و کنترل شوند که تحت فرمان عقل و شرع قرار گیرند تا موجبات رساندن او به ثبات عاطفی یا تعادل عاطفی فراهم آید. امام علی (ع) خود به عنوان الگوی کامل عواطف سخنانی را درباره پرورش متعادل عواطف، استفاده صحیح از آنها و پیشگیری از فقر عاطفی و نقش و تاثیر عواطف در هر یک از ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی متذکر شده است. به عنوان نمونه ثمره تربیت عاطفی از دیدگاه امام علی (ع) این است که فرد تربیت شده از نظر عاطفی، لطیف الغریزه، عواطفش جهت دار و تعدیل شده، خشم خود را کنترل کرده و در زندگی خود اعتدال داشته و اهل محبت و دوستی و... می باشد.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه شریف

- احمدی، محمد رضا. (۱۳۸۰). «نقش صله‌ی رحم در بهداشت روانی»، معرفت. ۴۶.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تعلم و تربیت اسلامی؛ تهران: مدرسه.
- جعفری تبریزی، محمد تقی. (۱۳۸۸). شرح نهج البلاغه؛ تهران: موسسه توین و نشر آثار علامه جعفری.
- دوستی، وهاب و مختوای، فروزان و اولاد، علی و تتر، سمیره و بیگی، پریسا و عسگری، آرزو. (۱۴۰۱). اصول و روش های تربیت عاطفی در دوره پیش دبستان از دیدگاه اسلام و ائمه اطهار (ع)، پنجمین همایش ملی فناوری های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی و مشاوره ایران، تهران.
- حسین زاده، علی و قاسمی گورتی، هاجر. (۱۳۹۴). «تبیین مهم ترین روش های عاطفی آسیب زا در تربیت با تکیه بر آیات قرآن کریم و احادیث ائمه (ع)»، پژوهشنامه‌ی معارف قرآنی، شماره ۲۲.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. (۱۳۸۲). نهج البلاغه؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ قم: دفتر تاریخ و مطالعات اسلامی.
- سی، شورت. (۱۳۹۲). روش شناسی مطالعات برنامه درسی؛ ترجمه‌ی محمود مهرمحمدی؛ تهران: سمت.
- فقیهی، علی نقی و نجفی، حسن. (۱۳۹۲). «عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برگرفته از احادیث»، اسلام و پژوهش های تربیتی، شماره ۲.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۰ق). بحارالانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث.
- نجفی، محمد؛ متقی، زهره و نصرتی هشی، کمال. (۱۳۹۴). «سازماندهی نظام تربیت عاطفی مبتنی بر آموزه های قرآنی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۹.
- هاشمی، سیداحمد و صفا، حکیمه. (۱۴۰۱). تربیت اخلاقی، عاطفی، جنسی از دیدگاه امام علی (ع)، فصلنامه روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، دوره: ۶، شماره: ۳.
- هاشمی، سیداحمد و ستایش فر، مریم. (۱۳۹۶). بررسی اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره: ۳، شماره: ۴.
- هاشمی، سیداحمد و شمسایی، عباسعلی و احمدزاده، حسین. (۱۴۰۲). اصول و روش های تربیت دینی و بصیرت افزایی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه، هشتمین کنفرانس علمی رهیافت های نوین در علوم انسانی ایران، ایلام.